



سال هفتم

مورخه ۹ اسفند ماه ۱۳۱۳

شماره ۱۸۳۷

## مجله رسمی وزارت عدلیه

شماره ۸۰۸۰

### وزارت تحلیل عدلیه قانون

۷ اسفند ۱۳۱۳

#### حکمت مصوب ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۳

ماده ۱ - کلیه اعضاییکه اهلیت افتاد دعوی را دارند می توانند بتراضی اختلافات و منازعه خود را در حقوق و اموال اعم از اینکه در محاکم عدلیه طرح شده یا نشده باشد در صورت طرح در هر مرحله که باشد میتوانند بتراضی به یکدیگر یا چند نفر رجوع کنند

ماده ۲ - متماثلین میتوانند در ضمن معامله یا بموجب قرار داد ملحقه ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق حکمت بعمل آید و نیز میتوانند حکم با حکم های خود را قبل از تولید اختلاف معین کنند معذک در مورد معاملات واقع بین اتباع ایران و اتباع خارجه طرف ایرانی نمی تواند مادام که اختلاف تولید نشده است به نحوی از انحاء ملزم شده که در صورت بروز اختلاف حل آنها بحکمت يك یا چند نفر و یا بحکمت هیئتی رجوع نماید که آن شخص یا اشخاص و یا آن هیئت دارای همان تابعیت باشد که طرف معامله دارد هر قراردادی که مخالف این حکم باشد باطل و بلا اثر است .

ماده ۳ - در قرار داد حکمت باید نکات ذیل ذکر شود  
۱ مشخصات طرفین و حکمها از قبیل اسم واسم خانوادگی و غیره بطوری که رافع اشتباه باشد .

۲ موضوع اختلاف که باید بحکمت قطع شود  
ماده ۴ - در مورد ماده ۲ هرگاه طرفین حکم یا حکم های خود را در ضمن معامله یا قرار داد معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف يك طرف حکم خود را معین ننماید طرف دیگر میتواند حکم خود را معین کرده بوسیله اظهار نامه رسمی او را بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که حکم خود را معین و معرفی کند در این صورت طرف مذکور مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه و

با رعایت مدت مسافت حکم خود را معین و اعلام کند و هرگاه تا انقضای مدت مذکور اقدام ننمود محکمه که صلاحیت رسیدگی بموضوع اختلاف را دارد بتقاضای طرفی که حکم خود را معین کرده است حکم طرف دیگر را معین خواهد نمود در صورتیکه نسبت باصل معامله یا قرارداد راجعه بحکمت بین طرفین اختلافی باشد محکمه قبلا بان رسیدگی کرده پس از احراز مبادرت به تعیین حکم متمنع می نماید ولی مادام که حکم معین از طرف محکمه به حکم طرف ابلاغ نشده است طرف متمنع میتواند حکم خود را معین و معرفی کند ترتیب فوق در موارد ذیل نیز رعایت خواهد شد

۱ - هرگاه بموجب قرار داد بین طرفین حل اختلاف باید بحکم واحد رجوع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب حکم مزبور تراضی کنند

۲ - در صورتیکه حکم یکی از طرفین فوت کند یا استعفا

دهد و طرف مزبور نخواهد جانشین او را معین کند

۳ - در صورتی که طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب حکم ثالث تراضی نمایند

محکمه صلاحیت دار برای تعیین حکم محکمه است که

صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد

ماده ۵ - هرگاه در قرار داد حکمت عده حکمها معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین عده حکمها توافق کنند هر يك از طرفین باید بگفتن حکم اختصاصی و هر دو متفقا يك نفر حکم ثالث معین کنند .

ماده ۶ - اگر در قرار داد حکمت مدت اختیار حکم

ها معین نشده باشد مدت دو ماه خواهد بود و ابتداء آن از روزی است که تمام حکمها کتبا قبول حکمت را کرده اند

ماده ۷ - در موردی که محکمه بجای طرفین یا یکی

از آنها تعیین حکم می کند باید لااقل اسم دو برابر عده ای را که باید معین شود و واجد شرایط مقرر هستند نوشته و

حکم یا حکمهای لازم را از بین آن ها به طریق فرعه معین می کند .

ماده ۸ - اشخاص ذیل را بطاقت نمی توان بحکمت معین کرد :

۱ - محکومین بجایات و کسانی که با آنها ارتکاب جنایتی تحت تعقیب هستند .

۲ - محکومین پنجمه که محکمه در حکم خود آنها را از حق حکم شدن محروم کرده باشد

ماده ۹ - اشخاص ذیل بوسیله قرعه به حکمیت انتخاب نمی شوند .

۱ - کسانی که سن آنها کمتر از سی باشد

۲ - کسانی که در مقر محکمه که حکم را معین میکنند مقیم یا ساکن نیستند .

ماده ۱۰ - اشخاص ذیل را نمیتوان به قید قرعه بسمت حکم مشترك معین کرد مگر به تراضی طرفین

۱ - کسی که در دعوی ذی نفع باشد

۲ - اشخاصی که با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا نسبی نادرجه دوم از طبقه سوم دارند .

۳ - کسی که قید یا قبول یا وکیل یا مباشر امور یکی از متداعیین یا یکی از متداعیین مباشر امور اوست

۴ - کسی که خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعیین است

۵ - کسی که با یکی از متداعیین یا با اشخاصی که با یکی از آنها قرابت نسبی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند محاکمه جنائی یا جنحه سابقاً یا فعلاً داشته باشد

۶ - کسی که شخصا یا زوجه او با یکی از اقربای نسبی یا نسبی نادرجه دوم از طبقه سوم او یا یکی از متداعیین یا زوجه او یا یکی از اقربای نسبی یا نسبی نادرجه دوم از طبقه سوم او محاکمه حقوقی دارد .

۷ - قضات و صاحب منصبان بدایت و استئناف و حکام و سایر مأمورین دولت در حوزه مأموریت خود

ماده ۱۱ - بعد از کشیدن قرعه و تعیین حکم هر یک از طرفین حق دارد از تاریخ اعلام در جلسه در صورت حضور و ابلاغ بار در صورت غیبت تا ده روز حکم معین را رد کند مگر آنکه موجبات رد بعدا حادث شده باشد که در این صورت اندک مدت از روزی است که علت حادث شده محکمه پس از وصول اعتراض رسیدگی کرده هرگاه آنها را وارد دید حکم دیگری را حای حکم مردود معین می کند

ماده ۱۲ - بعد از تعیین حکم با حکمها طرفین حق عزل آنها را ندارند مگر بتراضی یکدیگر

ماده ۱۳ - پس از قبول حکمیت حکمها حق استعفاء ندارند مگر در صورت داشتن عذر موجه از قبیل مسافرت یا ناخوشی و اعتلال آن حکمی که بدون داشتن عذر موجه استعفا دهد تا ده سال بطریق قرعه به حکمیت معین نخواهد شد و در صورتیکه عذر موجه بدون عذر موجه حاضر نشود حکمها نیز در جلسات بعد از آن مراتب را بمحکمه مربوطه اطلاع می دهند و محکمه دیگری بجای او معین می کند مگر آنکه طرفین بحکمیت خود حق حکم تراشی کنند

ماده ۱۴ - هرگاه حکمها در مدت معین در قرار داد حکمیت یا مدتی را که قانون معین کرده است رای ندهند حکمیت آنان مان لم یکن خواهد بود مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند

ماده ۱۵ - شخص ثالثی که مطابق قانون جلب شده و یا قبل و یا بعد از ارجاع اختلاف بحکمیت وارد دعوی می شود میتواند با طرفین اصلی در ارجاع امر بحکمیت و تعیین حکم با حکم های تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نکرد بدعوی مشار الیه مطابق مقررات مستقل رسیدگی خواهد شد

ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به حکم بدهند و حکمها نیز میتوانند توضیحات لازمه را از آنها بخواهند - هرگاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه یا جنایت و در رای حکم مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوقی از جزائی ممکن نباشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بمحکمه ارجاع کنند یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر جزائی یا اصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید می گردد

حکمها نمیتوانند بر خلاف مفاد حکم مربوط بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رای دهند

دعوی جعل و تزویر در سند بدون تعیین جعل و مزور و یا در صورتی که تعقیب جعل و مزور بجهتی از جهت قانونی ممکن نباشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

ماده ۱۷ - در موارد ذیل حکمیت از بین میرود

۱ - در صورت تراضی کتبی طرفین

۲ - در صورت فوت یا حجر یکی از طرفین

ماده ۱۸ - حکمها در رسیدگی و رای تا بم فواید اصول محاکمه نیستند ولی باید شرایط قرار داد حکمیت را رعایت کنند

رای حکم باید موجه بوده و مخالف با قوانین معنوی ( قوانین موجد حق ) نباشد .

ماده ۱۹ - در صورتیکه حکمها اختیار صالح داشته باشند میتوانند دعوی را بصاحب خانه دهند .

ماده ۲۰ - اگر یکی از حکمها در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر بوده ولی برای دادن رای بدون عذر موجه حاضر نشود یا از دادن رای امتناع نماید راییکه با اکثریت صادر میشود منوط اعتبار است عدم حضور و یا امتناع حکم از دادن رای یا از امضاء آن باید در ورقه حکم قید شود

ماده ۲۱ - پس از وصول رای حکم مدیر دفتر با اطلاع رئیس محکمه آنها را عیناً در دوسه عمل ثبت کرده مطابقت

ثبت را با اصل به تصدیق و امضاء رئیس محکمه میرساند و اصل حکم را برای ابلاغ با صاحب دعوی میفرستد

ماده ۲۲ - هرگاه محکوم علیه تا ده روز بعد از ابلاغ یا و طوعاً حکم را اجرا نکند محکمه ارجاع کننده دعوی به حکمیت و یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است بتقاضای طرف ذی نفع بر طبق رای حکم ورده اجرائیه صادر کند

ماده ۲۳ - هرگاه طرفین رای حکم را با اتفاق رد کنند حکم بلا اثر خواهد شد

ماده ۲۴ - حکمها مکلف هستند رای خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتی که رای حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد هر یک از طرفین میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ یا رعایت مسافت قانونی فسخ آن را از محکمه ارجاع کننده و یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بخواهند

ماده ۲۵ - هرگاه حکمها در حسابی اشتباه کرده که این اشتباه در رای مؤثر باشد و یا قسمتی از مدعی به را که مورد رسیدگی بوده اشتباهاً در رای خود ذکر نکرده باشند طرف ذی نفع میتواند در صورتی که مدت حکمیت باقی باشد تصحیح آن را از خود حکم ها و الا در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رای حکم ها از محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت یا از محکمه صالحه بخواهد

ماده ۲۶ - در موارد ذیل رای حکم اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است

۱ - در صورتیکه رای مخالف با قانون باشد  
۲ - وقتی که حکم ها خارج از حدود اختیارات خود و یا نسبت به مطلبی که موضوع حکمیت بوده است رای داده باشند

۳ - در موردی که برخلاف سند رسمی که بجهتی از جهات قانونی از اعتبار نیوناده است رای داده باشند

ماده ۲۷ - در مورد ماده فوق هر یک از طرفین میتواند از محکمه که دعوی را ارجاع بحکمیت کرده یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بطلان رای حکم را بخواهد در این صورت محکمه مکلف است بتقاضای مزبور رسیدگی کرده هرگاه رای بر طبق ماده فوق باطل باشد حکم به بطلان آن باشد رد تقاضای ابطال رای حکم و حکم به بطلان آن فقط قابل استیناف است در صورتی که رد تقاضا یا حکم به بطلان از محکمه استیناف صادر شده باشد قابل تمیز است

در مورد این ماده هرگاه ورده اجرائیه صادر شده باشد محکمه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل تقاضا کننده توجه کرده هرگاه دلائل را قوی یافت قراری دائر بتوقف ورده اجرائیه صادر نماید

ماده ۲۸ - در صورتی که دعوی در مرحله تمیزی رجوع بحکمیت شده باشد تقاضای ابطال باید از محکمه بعمل آید که حکم مورد استدعا تمیز را داده بوده است

رد تقاضای ابطال و یا حکم بطلان رای حکم صادر از این محکمه فقط قابل تمیز خواهد بود

ماده ۲۹ - عرضحال استینافی و تمیزی از حیث بخارج و مدت و طرز تنظیم و همچنین رسیدگی بدعوی تا به مقررات اصول محاکمات حقوقی است

ماده ۳۰ - رای حکم فقط در باره طرفین دعوی و اختصاصیکه دخالت و شرکت در تعیین حکم داشته و قائم مقام آنان نافذ است و نسبت به اشخاص خارج بهیچوجه تأثیری نخواهد داشت

ماده ۳۱ - حق الزحمه حکم اختصاصی هر یک از طرفین بعهده خود آن طرف و حق الزحمه حکم مشترک بعهده طرفین است که باید باالمنصفه بپردازند معذالك حکمها میتوانند در ضمن حکم خود ترتیب تقسیم مزبور را به ترتیب دیگری مقرر کنند مگر اینکه بین طرفین قرارداد خاصی در ترتیب پرداخت حق الزحمه حکم ها مقرر شده باشد

ماده ۳۲ - هرگاه بین حکم و طرف یا طرفین دعوی ترتیب خاصی معین نشده باشد حق الزحمه حکمها بطریق ذیل خواهد بود

تا صد هزار ریال مدعی به ۵٪ پنج درصد برای گلیه حکمها  
از صد هزار و یک ریال تا دویست هزار ریال ۵٪ چهار درصد  
از دویست هزار و یک ریال تا ۵۰۰ ۵٪ سه درصد  
از ۵۰۰ هزار ریال به بالا ۲٪ دو درصد

حق الزحمه حکمها اعم از اینکه قرارداد خاصی بین حکم ها و اصحاب دعوی شده باشد و یا بترتیب فوق وصول و مطابق قرار داد در صورتی که قرار داد خاصی باشد والا بالعکس بین حکمها تقسیم میشود

ماده ۳۳ - در مورد دعاوی که بموجب قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ و اصلاح آن رجوع به حکمیت شده است هرگاه در موقع اجراء این قانون مدت حکمیت مطابق قوانین مزوره منقضی گشته و حکمها رای خود را نداده باشند و طرفین دعوی تجدید یا تمدید مدت حکمیت تراشی نکنند بر طبق این قانون عمل خواهد شد

ماده ۳۴ - نسبت بدعاوی که سابقاً یکی از طرفین دعوی از محکمه تقاضای ارجاع به حکمیت کرده ولی در تاریخ مصوب این قانون هنوز قراری از محکمه صادر نشده و یا آنکه هنوز تمام حکمها بترتیب مقرر در قانون ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ تعیین نشده اند یا آنکه هنوز به حکم ها ابلاغ نشده باشد تقاضای مزبور کان لم یکن بوده و مطابق این قانون باید عمل بشود

ماده ۳۵ - نسبت بدعاوی که حاکمهای بدوی طبق قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ رای خود را داده و بر حسب تقاضای طرفین یا یک طرف رجوع بحکمیت تجدید نظر شده ولی

حکمهائی که برای تجدید نظر تعیین شده اند هنوز در موضوع قضیه اظهار نظر نکرده اند حکمهای مزبور مکلفند که در ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون رای خود را صادر اعلام دارند و الا هر یک از طرفین می توانند در ظرف ده روز از تاریخ انقضای مدت مذکور در فوق از رای حکم های بدوی استیناف بخواهند .

در این صورت حق الزحمه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ابطال خواهد شد .

ماده ۳۶ - دعوی ذیل قابل ارجاع بحکمیت نیست

۱ - دعوی راجعه به توقف و ورهستگی

۲ - دعوی راجعه باصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح

و بدل مدت و نسب

ماده ۳۷ - در مورد اختلافات مابین زن و شوهر راجعه بسوء رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز مخارج طفلی که بر عهده شوهر و در حضانت زن باشد از طرف هر یک از زوجین طرح شود محاکم می توانند بتقاضای هر یک از طرفین دعوی را ارجاع بحکمیت نموده و در صورت عدم تراضی آن ها در تعیین حکم لا اقل دو نفر را از بین اقرباء طرفین و در صورتی که در محل سکونت خود اقربا نداشته باشند از اشخاصی که با آن ها معاشرت و دوستی دارند تعیین کنند حکمها مکلفند حتی الامکان سعی در اصلاح بین زوجین نموده و در صورتیکه قادر باصلاح نشوند رای خود را در تشخیص ذی حق بودن یکی از طرفین و تعیین میزان مخارج زن یا طفل در صورتی که موضوع دعوی، مخارج باشد بحکم تقدیم دارند و محکمه پس از وصول بر طبق رای حکم ها حکم خواهد داد اگر بین حکمها ( در صورتی که مدعی آن ها زوج باشد ) توافق نظر حاصل نشود خود آنها می توانند يك نفر را بعنوان حکم ثالث بتراضی و چنانچه در تعیین ثالث تراضی نشود بقرعه تعیین کنند و در این صورت اکثریت آراء آن ها منطبق - اعتبار است .

محکمه در انتخاب حکمها باید بی طرفی و انصاف آنها را بحسن اخلاق رعایت نماید .

هر يك از طرفین می توانند در صورتی که از رای حکمها حکایت داشته باشند اعتراضات خود را در ظرف یکماه بعد از ابلاغ رای بحکم بدهد و محکمه در صورتی که اعتراضات را وارد بداند خود بموضوع رسیدگی کرده حکم می دهد این حکم فقط قابل استیناف است - مرجع دعوی فوق الذکر محکمه بدایت است و در نقاطیکه محکمه بدایت نباشد بحکم صلح و در جاهائی که محکمه صلح هم نباشد به دادورین صلح رجوع میشود .

ماده ۳۸ - این قانون پس از تصویب اجراء و قانون

## اعلان

نمره ۳۳۲۹۸ ۶ اسفند ۱۳۱۳

نظر بدستور ماده ۹ قانون ثبت اسناد و املاک ازوما به استحضار عموم میرساند که املاک واقع در قریه راوند قطعه اول از ناحیه ۴ گویرات گاشان محدود بمحدود ذیل شمالا بقله مورچان و جاده قدیم قم و طهران شرقا بنهر آب محل عبور قنات انبالیه جنوبا - به تپه زرد و قرب کله احترک و سوك چم و رودخانه چم قریا باراضی قریه طاهر آباد

برای ثبت عمومی در نظر گرفته شده و اداره ثبت اسناد و املاک گاشان در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۳ مطابق بازدهم ذی حجه الحرام ۱۳۵۳ اعلانی را که در ماده ۱۰ قانون ثبت مقرر است منتشر و از همان روز شروع به تعیین نمره برای قطعات و توزیع اظهار نامه خواهد نمود البته صلاح و نفع مالکین در آنست که اظهار نامه های خود را در موعده مقرر خودت داده تا ملك آن ها بعنوان مجهول المالك اعلان نشده و مشمول جریمه قانونی نگردند .

مدیر کل ثبت مملکتی - عبدالله مستوفی

## اعلان

نمره ۱۹ آذر ۱۳۱۲

بتاریخ ۱۶ و ۱۷ آذر ۱۳۱۲ - مخدومه شمسی خانم زمان خان ساکنه ناحیه در دولت باغ سیه سالار باستاناد بگطفری ورقه شوالیه وسواد مصدق بگطفری ورقه هویت بعنوان آن که مرحومه منیره خانم زمان خان که محل اقامت دائمی او در طهران بوده وفات یافته و مشار الیها مادر متوفاه وراثت منحصر مرحومه مزبوره می باشد بشرح تقاضا نامه نمره ۳۲۴۶-۲-۱۲ صدور تصدیق انحصار وراثت را تقاضا نموده محکمه طبق دستور ماده ۳۰ قانون انحصار وراثت مفاد تقاضا نامه را دو مدت سه ماه متوالی و در هر ماه بکمرته در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید محلی اعلان می نماید چنانچه کسی نسبت بتقاضای مزبور اعتراض دارد از تاریخ نشر اولین نوبت اعلان در مدت سه ماه اقدام بتقدیم اعتراضات بدفعتر محکمه نماید و پس از انقضای مدت مقرر در صورت عدم وصول اعتراض محکمه تصدیق مورد تقاضا را صادر خواهد نمود اعلان نوبت اول ۹ اسفند ماه ۱۳۱۳ این شبهه ثانیه محاکم صالح محدود طهران روحانی

حکمیت مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاح قانون حکمیت مصوبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۰۸ نسخ می شود و مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی که بموجب قانون اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بود کما کان بحال منسوخ باقی می ماند .